

بررسی روش و گرایش تفسیر احسن الحدیث*

طیبه اکران**

طلعت حسنی بافرانی***

چکیده

یکی از ضروریات اجتناب ناپذیر در مطالعات قرآنی بررسی تفاسیر از منظر روش تفسیری می‌باشد، توجه به روش‌شناسی تفاسیر در ابعاد مختلف کمک شایانی به دستیابی بر روش صحیح تفسیر قرآن و طبقه‌بندی تفاسیر می‌کند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به روش‌شناسی یکی از تفاسیر شیعی معاصر و بررسی منابع و مصادر آن می‌پردازد، تفسیر «احسن الحدیث» اثر آیت الله قرشی یکی از تفاسیر برجسته‌ای است با استفاده از روش‌های مختلف تفسیری، نقل و گاهی نقد آراء دیگر مفسران، به تبیین آیات الهی می‌پردازد. اهمیت این پژوهش در این است که با استفاده از ملاک‌های موجود در روش‌شناسی تفسیر قرآن میزان تعهد مفسر را در روش ادعای خود بررسی خواهد کرد. نگارنده با تتبع در بخش‌های مختلف این تفسیر به این نتیجه می‌رسد که روش تفسیری در این کتاب روش جامع با گرایش هدایتی - اجتماعی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: روش‌شناسی، گرایش اجتماعی، تفسیر قرآن، هدایتی.

*- تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳

** دانش آموخته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم

*** استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم

۱- مقدمه

رسیدن به تفسیر صحیح آیات قرآن در گرو شناخت روش تفاسیر بوده و عدم شناخت روش‌های تفسیری می‌تواند مانع از درک صحت و سقم برداشت‌های قرآنی باشد. برای محققین علوم قرآنی شناخت روش‌های به کار رفته در تفسیر آیات قرآن از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا دانش تفسیر که یکی از اصیل‌ترین علوم اسلامی است همچون سایر علوم دیگر حداقل دارای سه چیز است: الف) موضوع: علم تفسیر که همان قرآن کریم است. ب) هدف: علم تفسیر که فهم و توضیح مفاهیم و مقاصد آیات قرآن است. ج) روش: تفسیر که همان چگونگی و کشف معانی و مقاصد آیات قرآن است. از این میان به کارگیری روش در هر علم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که فراگیری روش صحیح و استفاده از آن، انسان را به هدف علم می‌رساند اما عدم استفاده از روش صحیح یا خطای در روش، موجب دوری از هدف علم می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۱) این شناخت در قضاوت نهایی نسبت به صحت و سقم استنباط‌های قرآنی نقش محوری دارد. از سویی اعتبار یا عدم اعتبار تفاسیر قرآن در گرو شناسایی روش‌های بکار رفته در آن‌ها و از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر مباحث علوم قرآنی است زیرا برداشت مفسران از مراد خداوند، یکسان و هماهنگ نبوده و این ناهماهنگی در استنباط از قرآن، معلول روش‌های متفاوت مفسران است. تفسیر «احسن الحدیث» از تفاسیر شیعی معاصر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم هجری، اثر «آیت الله قرشی»، ایشان در سال ۱۳۴۷ قمری در بناب متولد شد. وی از محضر اساتیدی از جمله: مرحوم آیت الله بروجردی، آیت الله سلطانی، سید حسن قاضی، لنکرانی (پدر آیت الله فاضل لنکرانی)

و میرزا تقی زرگر بهره جسته‌اند، (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۱: ج ۱۴۸/۵-۱۴۹، قرشی، ۱۳۷۱: ج ۴۲۹/۱۲-۴۳۰). اما این تفسیر نسبت به دیگر تفاسیر شیعی معاصر ناشناخته بوده و این خود انگیزه‌ای برای بررسی و شناخت روش این تفسیر بوده است. در این پژوهش سعی شده است به چند سوال اصلی و مهم از جمله: اینکه روش و گرایش تفسیری به چه معنی است؟ مفسر از چه روش و گرایشی استفاده کرده است؟ و منابع و مصادر تفسیری مفسر کدامند؟ و... پاسخ داده شود.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون پایان نامه‌های در مورد تفسیر احسن‌الحديث به رشته تحریر درآمده از جمله: بررسی مبانی و روش‌شناسی احسن‌الحديث در تفسیر قرآن که در سال ۱۳۸۵ توسط فاطمه خرامان با راهنمایی ناصر رفیعی محمدی. و بررسی روش‌شناسی تفسیر احسن‌الحديث در سال ۱۳۸۷ توسط آزاده میر احمدی با راهنمایی محمدعلی تجری. و بررسی روش تفسیری آیت الله سیدعلی اکبر قرشی در تفسیر احسن‌الحديث در سال ۱۳۹۳ توسط منوچهر قدم زاده فرد با راهنمایی عبدالله اصفهانی صورت گرفته است. اما مقاله‌ای که صرفاً تحت عنوان روش‌شناسی تفسیر احسن‌الحديث باشد، صرفاً نگاشته نشده، لذا پژوهش حاضر بر آن است تا روش‌شناسی این تفسیر ارزشمند را به طور منسجم و خلاصه برای محققین بیان کند.

۳- مفهوم‌شناسی روش تفسیری

تفسیر از ریشه «فسر» به معنای بیان و ایضاح است (ابن فارس، ۱۴۰۷: ج ۵۰۴/۴). برخی گفته‌اند: تفسیر از «سفر» مشتق شده است. سفر در لغت به معنای انکشاف و روشنی است. (ابن فارس، ۱۴۰۷: ج ۸۲/۳).

صرف نظر از اشتقاق، دو واژه «فسر» و «سفر» از نظر لفظ و معنا به هم نزدیک هستند. تفاوتی که در استعمال این دو به چشم می‌خورد، دو چیز است: یکی آن که فسر بیشتر در اظهار معنای معقول به کار می‌رود و سفر برای ابزار اشیای خارجی. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹: ج ۵۷/۳، زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۴۱/۱۲). به عبارت دیگر: اولی برای کشف معنوی و دومی برای کشف ظاهری و مادی به کار می‌رود. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ج ۱۳/۱، ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۳۷/۳). دوم آن که، فسر به صورت متعدی و سفر بیشتر به صورت لازم به کار می‌رود.

آن چه از سخن لغت‌پژوهان استفاده می‌شود آن است که لفظ «تفسیر» در مواردی به کار می‌رود که کلام دچار نوعی ابهام یا اجمال باشد، به گونه‌ای که در مراد متکلم ظهور نداشته باشد، از این رو گفته‌اند: تفسیر، آشکار ساختن چیزی است که پوشیده باشد. نیز به بیان همراه با تفصیل اطلاق می‌شود. (شاکر، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷).

نویسنده تفسیر احسن الحدیث، مانند دیگر صاحب نظران تفسیر را توضیح مرادکلام خداوند و پرده‌برداری از معانی پنهان و مقاصد نهایی کلام دانسته است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲۶/۱، عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۴۶).

روش تفسیری، مستند یا مستنداتی است که مفسر، در فهم قرآن از آن بهره گرفته (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۱۵؛ مودب، ۱۳۶۰: ۱۶۵) و تنها راه دستیابی کامل به مقاصد کلام الهی را منحصر به آن می‌داند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۱۵) به عبارت دیگر، روش تفسیری، چگونگی کشف و استخراج معانی آیات با استفاده از ابزار یا منبع خاصی همچون عقل یا نقل و قواعد می‌باشد. (سبحانی، ۱۴۱۶: ۱۸۸، شاکر، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۷؛ بابایی، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۸)

۷۱ بررسی روش و گرایش تفسیر احسن الحدیث

با توجه به تعریفی که از روش تفسیری بیان شد به روش تفسیری مولف تفسیر احسن الحدیث می‌پردازیم نخست برای فهم بهتر به منابعی که مفسر در تفسیر خود برای کشف مراد الهی استفاده نموده، در ذیل اشاره خواهیم کرد.

۴- منابع مورد استفاده مفسر در تفسیر «احسن الحدیث»

۴-۱- کتب لغت

آیت الله قرشی علاوه بر اینکه در بیان معنای لغات از تفسیر مجمع البیان استفاده کرده است از دیگر کتب لغت از جمله مفردات فی غریب القرآن، قاموس قرآن که نوشته خود ایشان می‌باشد، و صحاح، جوهری، استفاده نموده است.

برای مثال: «...» (انبیاء/۸۷) مفسر در بیان معنای

لغوی «ذالنون» بیان می‌کند که راغب می‌گوید: نون به معنی ماهی بزرگ است اما مجمع البیان و صحاح و قاموس مطلق ماهی گفته اند، منظور از ذالنون حضرت یونس(ع) است که ماهی او را بلعید. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۶/۵۳۵).

۴-۲- کتب حدیثی و روایی (اعم شیعہ و اهل سنت)

بحار الانوار، نهج البلاغه، الکافی، الدر المنثور، وسائل الشیعہ، تفسیر عیاشی، تفسیر صافی، علل الشرایع، الخصال، عیون اخبار الرضا و توحید، تفسیر برهان، و دیگر کتب روایی استفاده کرده است.

از جمله در آیه «

(انبیاء/ ۱۰۵) در تفسیر برهان از تفسیر قمی نقل کرده است، منظور از «یرثها عبادی الصالحون» «قال: القائم(عج) و اصحابه» که این روایت در مورد حضرت مهدی (عج)

از طریق شیعه و اهل سنت متواتر در کتاب‌هایشان نقل شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۶/۵۵۷)

۴-۳- کتب تفسیری

صاحب تفسیر احسن الحدیث از تفاسیر متعددی چون المیزان، کشاف، مجمع‌البیان، و تفسیر المنار استفاده کرده است.

برای مثال: مفسر ذیل آیه « (یس/۶) برای بیان

معنای قوم «سخن علامه طباطبایی را در المیزان آورده که فرمود: مراد از قوم اگر قریش و امثال آن‌ها باشد در این صورت منظور از «آباء» پدران نزدیک آن‌هاست زیرا در پدران بعید آن‌ها حضرت اسماعیل(ع) ذبیح بود و نیز پیامبرانی امثال هود، صالح و شعیب(ع) بر عرب مبعوث شده بودند. و اگر منظور همه مردم معاصر باشد ... باز پدران نزدیک منظور است، زیرا آخرین پیامبر قبل از آن حضرت عیسی(ع) است که میان آن دو فترت وجود دارد. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۹/۶۰).

از منابعی که مفسر گرامی استفاده کرده، به این نکته بی‌می‌بریم که ایشان بدون تعصب هم از منابع شیعی و هم از منابع اهل سنت استفاده نموده است. نکته قابل توجه این مفسر بزرگوار دیدگاه‌های مختلف را طرح و گاهی نقد می‌کند، سپس نظر تفسیری خود را بیان می‌کند.

به طور مثال در رابطه با آیه « (فلق/۴) می‌نویسد: در

رابطه با «نفاث فی القعد» دو قول است، اول اینکه مراد از نفاثات زنان جادوگراست، المیزان فرموده: علت این که زنان جادوگر در آیه مطرح شده‌اند نه مردان جادوگر چون سحر در آن‌ها و به وسیله آن‌ها زیادتر از مردان است.

دوم اینکه مراد از نفاثات زنانی است که آراء خود را بر مردان تحمیل می‌کنند، ناگفته نماند قول دوم اعتباری ندارد و قول اول بسیار بعید است، زیرا اولاً نسبت به آیات ما قبل بسیار اخص است مثلاً در روزگار ما چقدر زنان جادوگر وجود دارد تا از شر آنها به خدا پناه ببریم؟ لذا نمی‌توانیم بگوییم آیه فقط در رابطه با زمان نزول قرآن و با مکه یا مدینه است.

از طرف دیگر چرا باید فقط از شر زنان جادوگر به خدا پناه برد و اینکه المیزان آنها را زیادتر از مردان فرموده است دلیل قطعی وجود ندارد، گذشته از اینها جادوگری را که در شان نزول سوره گفته‌اند لبید بن اعصم یک مرد یهودی بود، نه زن. مفسر احسن الحدیث معتقد است: منظور از «نفاثات» نیروهائی است که سبب پدید آمدن حوادث بزرگ می‌شود مانند نیروها و عواملی که سبب آتش فشان، زلزله یا انفجارهای مهیب می‌شود و حتی جنگ‌ها که در اثر تلقین اراده‌ها و نقشه کشی ظالم‌ها و طاغی‌ها به وجود می‌آیند. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/ ۴۱۵).

۵- روش‌های آیت الله قرشی در تفسیر «احسن الحدیث»

۵-۱- روش قرآن به قرآن

واژه «روایت» در اصل (روی) به معنای «حمل و نقل» است و روایت حدیث، به معنای نقل و حمل حدیث است. (فیومی، ۱۴۰۵: ج ۲/ ۲۴۶) منبع بودن سخن معصوم در تبیین کتاب خدا، همزمان با نزول قرآن مطرح بوده است، صحابه نیز در تفسیر به سخنان پیامبر (ص) استشهاد می‌کردند. مفسران و قرآن پژوهان نیز، روایات را از منابع تفسیر دانسته‌اند. (بابایی، ۱۳۷۹: ۲۸۸-۲۸۷)

لازم به ذکر است که ذوق و پیش داوری مفسران در انتخاب و گزینش روایات تفسیری موثر بوده و مفسران براساس مذاق و مذاهب فکری خود، روایاتی را

انتخاب و در تفسیر آیه ذکر می‌کرده‌اند که با ذوق فلسفی، کلامی و فقهی آن‌ها همساز بوده است، از این جهت تفاسیر روایی، یکسان نبوده و با یکدیگر متفاوت هستند. (ذهبی، بی‌تا: ج ۱ / ۱۵۵) نویسنده تفسیر احسن الحدیث به گونه‌های مختلف به روایات تفسیری استناد کرده و بدین روش تفسیر خود را به تفاسیر روایی نزدیک کرده است، به نمونه‌هایی از این روش در ذیل اشاره می‌شود:

برای مثال در مورد آیه « ... »

... «(بقره/۴۴ - ۴۵) مفسر برای تبیین بهتر آیه به احادیث استناد می‌کند و می‌نویسد: در ذیل «تسنون انفسکم» در مجمع البیان از انس بن مالک نقل شده رسول خدا(ص) فرموده: در شب معراج بر گروهی گذشتم که لب‌های آن‌ها با قیچ‌های آتشین بریده می‌شد گفتم: جبرئیل این‌ها چه کسانی‌اند؟ گفت اینان خطیبان هستند از اهل دنیا که مردم را به نیکی امر کرده و خود را فراموش می‌نمودند، همچنین در کافی از ابی بصیر از حضرت صادق(ع) نقل شده: چون حضرت علی(ع) را کاری مضطرب می‌کرد به نماز پناه می‌برد سپس این آیه را می‌خواند «استعینوا بالصبر و الصوة». (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱ / ۱۱۵).

همچنین در بیان معنای «صمد» در آیه دوم سوره توحید «سخنی از امام سجاده(ع) را آورده‌اند، که ایشان فرموده‌اند: «

« این روایت به معنای لازم «الصمد» است یعنی خدای ازل و ابدی، خدای بی‌خلل، خدای بی‌نیاز این روایت در توحید صدوق هم نقل شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲ / ۴۰۹).

در گونه‌شناسی روایات گاهی بعضی از روایات، با بیان مصداق به تفسیر آیه پرداخته‌اند، مفسر گرامی احسن الحدیث با چنین روشی و با اتکاء و استناد به روایات، به بیان مصدق آیات می‌پردازد. از جمله:

ذیل آیه «...» (هود/ ۱۷) می‌گوید منظور از

شاهد کسی است که به صدق مطلبی شهادت و گواهی دهد و به آن اقرار کند و ایمان آورد، در روایات شیعه و سنی آمده است که مراد از شاهد علی بن ابی طالب است. در کافی از امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) نقل شده: امیرالمومنین (ع) شاهد است بر رسول خدا و بینیه‌ای است از پرودگارش نظیر این روایت در دار المنثور نقل شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۴/۴۷۱).

همچنین در مورد آیه «...» (آل عمران/ ۷) با اعتقاد به استینافیه

بودن جمله می‌نویسد: راسخون در علم منحصر به امامان علیهم‌السلام نیست، بلکه شامل همه اهل ایمان است که در علم و ایمانشان شکی عارض نمی‌شود این کلمه حتی در باره اهل کتاب نیز به کار رفته است «

...» (/) و اینکه از امام صادق (ع) نقل شده «نحن

الراسخون فی العلم» و یا آن‌جا که امام باقر (ع) فرمود «کان رسول الله افضل الراسخون فی العلم» منظور مصداق اکمل است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲/۱۷).

نکته حائز اهمیت در روایات تفسیری این است که گاهی بعضی از روایات با بیان بطن و تاویل به تبیین آیه پرداخته‌اند، مفسر احسن الحدیث از این گونه‌روایات بطنی و تاویلی استفاده کرده است.

مقصود از بطن آیه مفهوم گسترده و دامنه داری است که در پس پرده ظاهر یعنی (ظاهر که در بند خصوصیات مورد نزول است) نهفته است که تحت شرایطی این

مفهوم وسیع بایستی از بطن آیه استخراج شود که به همین استخراج کلی تاویل گفته می‌شود. بطن آیه را از آن جهت تاویل می‌گویند که ظاهر مقید آن را به مفهومی گسترده و آزاد ارجاع می‌دهد. (معرفت، ۱۳۷۸: ۹۱) پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «

« (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵۹۸/۲) از امام صادق (ع) نیز روایت

شده است: « (صدوق، بی تا: ۶۰۶) قرشی از جمله مفسرینی است

که بر اساس روایات وارده معتقد به ظهر و بطن قرآن است.

به عنوان نمونه به برخی از روایات بطنی از منظر آیت الله قرشی اشاره می‌کنیم:

« (/) مفسر برای فهم آیه روایتی را از تفسیر مجمع‌البیان نقل

می‌کند که منظور از «شفع» مخلوق و از «وتر» خداست. در روایت ابن حصین از آن حضرت نقل شده که منظور از شفع و وتر نماز است که بعضی زوج و بعضی فرد است و در روایت جابر از آن حضرت، شفع: روز قربان، و وتر: روز عرفه است، این روایات در تفسیر اهل سنت نیز آمده است.

در روایت دیگری به نقل از تفسیر قمی ذیل آیه

منظور از «عشر» ذی الحجة و منظور از «الشفع» دو رکعت نماز و منظور از وتر یک رکعت است.

و در حدیث دیگری آمده منظور از شفع امام حسن و امام حسین و منظور از

وتر امیرالمؤمنین (ع) است. که در این جا معنای ظاهری مراد نیست مفسر با به تاویل بردن آیه مفهوم اصلی را روشن و واضح بیان کرده‌اند. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/۲۱۴).

همچنین در تفسیر واژه «نجم» « (/) مفسر می‌گوید مراد از

نجم ظاهراً مطلق ستاره است که برای غروب کردن در افق سقوط می‌کند و بعضی‌ها نجم را در این آیه ستاره ثریا، قرآن و شهاب گفته‌اند ولی به آن‌ها نمی‌شود اعتماد

کرد. در تاویل این آیه از امام صادق (ع) نقل شده: منظور از نجم حضرت محمد (ص) است که از آسمان هفتم در شب معراج پایین آمده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۰ / ۴۸۰).

۵-۳- روش علمی

مقصود از «علم» در عنوان «تفسیر علمی» همان علوم تجربی است، که به دو شاخه علوم طبیعی مانند فیزیک، شیمی و... و علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تقسیم می‌شود. (رضایی اصفهانی، ج ۲ / ۱۸۳).

ولی تفسیر علمی، به شیوه‌های مختلف توسط مفسران یا غیر مفسران انجام گرفته است و به همین دلیل هرکس با توجه به شیوه عمل خاصی که از تفسیر علمی در ذهن خود مجسم کرده در مقابل آن موضع مخالف و موافق گرفته و آن را تعریف کرده است و یا نام خاصی مانند تطبیق، تفسیر علمی، استخراج علوم از قرآن، استخدام علوم و تحمیل علوم بر قرآن به آن داده است. (رضایی اصفهانی: ۱۳۹۲، ۲۷۴) مانند علامه طباطبایی و ذهبی که نظر هر یک از این بزرگواران به نوعی از تفسیر علمی تعلق گرفته، زیرا این تفسیر حداقل به سه طریق انجام گرفته است. همان‌طور که در سطرهای بالا بیان شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱ / ۱۴). (ذهبی، بی‌تا: ج ۲ / ۴۷۴).

در ذیل به ذکر چند آیه که مفسر بزرگوار براساس روش علمی تفسیر کرده بیان می‌کنیم.

«...» (بقره/۲۲)

مفسر می‌گوید شکی نیست که همه برف‌ها و باران‌ها از تبخیر آب‌های دریاست و اقیانوس‌ها شور و تلخ هستند نه حیوانات می‌توانند از آن‌ها بهره ببرند و نه انسان‌ها و نه مزارع، آب دریاها در حرارت آفتاب تبخیر می‌شود به صورت ابر در می‌آید،

ابرها به وسیله بادها به سوی خشکی‌ها حرکت می‌کنند آن‌گاه به صورت باران و برف و تگرگ در زمین می‌نشینند، مقداری به صورت رودخانه‌ها جاری می‌شوند، مقداری در شکم زمین فرو رفته و ذخیره می‌شوند و آن‌گاه چشمه‌ها و قنات‌ها گردیده و مورد استفاده می‌گیرید، همه روئیدنی‌های زمین از این آب می‌باشد، لذا در بسیاری از آیات از جمله: (اعراف/۵۷)، (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۳ / ۴۲۸) باین حقیقت که آب‌ها مورد استفاده انسان، حیوان و گیاه از آسمان است توجه کامل شده است، و این چیزی است که از نظر علمی ثابت شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱ / ۶۸).

ایشان ذیل آیه « (تکویر / ۱-۲) می‌کند منظور از تکویر شمس در هر حال خاموش شدن آن است، که در این مورد مولف مجمع‌البیان فرموده: «ای ذهب ضوها و نورها فاضمحت» و علامه طباطبایی در المیزان فرموده: شاید مراد از آن، ظلمانی شدن جرم آفتاب است به طوری که ظلمت آن را احاطه کند. و همچنین زمخشری در کشف می‌گوید: نور آن پیچده شده و می‌رود.

و در پایان مفسر احسن الحدیث می‌گوید تکویر و خاموش شدن خورشید در حال حاضر یک مسئله علمی است و دانشمندان برآن اذعان دارند. اگر در کتب نجوم عکس سحابی را ملاحظه کنید خواهید دید که به طور ماریچی می‌پیچند، خورشید چنان که دانشمندان گفته‌اند از مرکز خاموش می‌شود و در آینده قسمت خاموش شده آن به قشر ظاهری به مرکز آن خواهد رفت و آن به طور مار پیچی خواهد بود که همان تکویر است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲ / ۱۰۰).

براساس آیاتی که ایشان در آن‌ها از روش علمی استفاده کرده می‌توان چنین نتیجه گرفت، منظور ایشان از تفسیر علمی همان توضیح دادن آیات قرآن به وسیله علوم تجربی یعنی (استخدام علوم در فهم قرآن) است.

۴-۵- روش عقلی

عقل به عنوان یک منبع، نیرویی است که در هر انسانی به ودیعت نهاده شده، اصل ماده عقل، همان تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی معنوی، سپس ضبط نفس و منع آن بر همان مطلب است. از لوازم عقل، امساک، تدبیر، نیکویی فهم، ادراک و انزجار و شناخت چیزهایی است که در زندگی مورد نیاز است و نیز تحت برنامه عدل و حق قرار گرفتن و نگهداری خود از هوس‌ها و تمایلات است و.... (مصطفوی، ۱۴۱۶: ج ۸ / ۱۹۶-۱۹۸).

اما در مورد روش تفسیر عقلی و معنای آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است و هرکس براساس برداشت خود، در مورد این روش داوری کرده است. به اجمال به ذکر برخی از این دیدگاه می‌پردازیم.

الف) تفسیر عقلی، همان تفسیر اجتهادی است؛ بر این اساس تفسیر اجتهادی بیشتر از آنکه بر نقل و آثار تکیه کند، بر عقل و نظر تکیه می‌کند؛ تا معیار نقد و پالایش، دلالت عقل رشید و رای درست باشد. (معرفت، ۱۴۳۳: ج ۲ / ۳۴۹).

ب) تفسیر عقلی نوعی از تفسیر به رای است، تفسیر عقلی، مقابل تفسیر نقلی است که بر فهم عمیق از معانی الفاظ قرآن تکیه می‌کند، البته بعد از آنکه مدلول عبارات‌های قرآنی و دلالت‌های آنها را درک کرد. پس تفسیر عقلی بر اجتهاد در فهم نصوص قرآنی و درک مقاصد آن از مدلول‌ها و دلالت‌های آیات استوار است. دانشمندان، «تفسیر عقلی» را به «تفسیر به رای» نام گذاری کرده‌اند. (عک، ۱۴۰۶: ۱۶۷).

ج) تفسیر عقلی همان تفسیر قرآن با عقل برهانی است، که نقش منبع دارد، نه مصباح، آیه الله جوادی آملی در این رابطه می‌نویسد: یکی از منابع علم تفسیر و اصول بررسی و تحقیق، برای دستیابی به معارف قرآنی، عقل برهانی است که از

مغالطه، وهم و تخیل محفوظ باشد. وی تفسیر عقلی را به دو گونه تقسیم کرده و معتقد است تفسیر عقلی، یابه تفتن عقل از شواهد داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد، به اینکه عقل فرزانه و تیزبین، معنای آیه‌ای را از جمع بندی آیات و روایات در یابد که در این قسم، عقل نقش «مصباح» دارد و نه بیش از آن؛ و چنین تفسیر عقلی مجتهدانه، چون از منابع نقلی محقق می‌شود، جزو تفسیر به ماثور محسوب می‌گردد، نه تفسیر عقلی، یا به استنباط برخی از مبادی تصویری و تصدیقی از منبع ذاتی عقل برهانی و علوم متعارفه صورت می‌پذیرد که در این قسم، عقل نقش منبع دارد، نه صرف مصباح. بنابراین تفسیر عقلی، مخصوص موردی است که برخی از مبادی تصدیقی و مبانی متصور و مطوی برهان مطلب به وسیله عقل استنباط گردد و آیه مورد بحث بر خصوص آن حمل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۱۶۹-۱۷۱).

د: روش تفسیری عقلی عبارت است از: الف) استفاده ابزاری از برهان و قرائن عقلی در تفسیر، برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن، که در این صورت عقل، منبع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان‌های عقلی، قرائنی برای تفسیر آیات قرار می‌گیرد. از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می‌شد. ب) استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات - همراه با توجه به روایات، لغت و... و استنباط از آنها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات، حاصل این مطلب، همان تفسیر اجتهادی قرآن است که در این صورت عقل، مصباح و کاشف است. از این عقل با عنوان عقل فطری یا نیروی فکر و قوه ادراک یاد می‌شده. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۵)

به نظر می‌رسد از دیدگاه مولف احسن الحدیث روش عقلی، همان روش تفسیر اجتهادی است که بر عقل و نظر تکیه می‌کند؛ بیشتر از آنکه بر نقل و آثار تکیه کند. به عنوان نمونه به برخی از موارد روش عقلی از منظر مفسراشاره می‌کنیم:

« (انبیاء/۱) مفسر می‌گوید به نظر می‌آید
این اقتراب راجع به رسیدن مرگ باشد نه آمدن قیامت زیرا شخص اگر در عالم برزخ در عذاب باشد به حکم: «من مات فقد قامت قیامته» حسابش رسیده و در عذاب است و اگر در بی‌خبری باشد مرگش به آخرت متصل خواهد بود. (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۸۱).

مفسر ذیل این آیه می‌گوید « (شمس/۱-۲) به
نظرم می‌آید «ضحی» برای کثرت توضیح است زیرا در گفتن «شمس» غیر از شعاع و نور چیزی به نظرم نمی‌آید مگر آنکه بگوئیم: هم نور در نظر است و هم منبع نور، چنانکه در «نفس» هم خودش در نظر است و هم اعمالی که از آن صادر می‌شود. به نظرم می‌آید مراد از قید «تلاها» ادامه نور است یعنی قسم به ماه که بانور آن، نور آفتاب تداوم پیدا می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱۲/۲۴۳-۲۴۴).

«...» « (اعراف/

۸۵) در این آیه مفسر می‌گوید به نظرم مراد از اصلاح زمین، اصلاح آن به وسیله خدا با ایجاد نظم و هدایت انسان است یعنی پس از آن که خدا زمین را با ایجاد نظم و آفریدن وسائل و هدایت انسان‌ها، اصلاح کرده، در آن با ایجاد خفقان، دزدی، هتک ناموس و مانند آن به وجود نیاورد. «گفته‌اند: پس از آنکه خدا زمین را به وسیله عمل انبیاء و پیروانشان اصلاح کرده است». (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۳/۴۶۰-۴۶۱).

از آنچه گذشت میتوان نتیجه گرفت که تفسیر احسن الحدیث تفسیری است با روش اجتهادی جامع که مفسر بر آن بوده است از همه منابع تفسیری قرآن، روایت، عقل و علم روز و... به اقتضاء مقام بهره برده است.

۶- گرایش‌های آیت الله قرشی در تفسیر «احسن الحدیث»

مقصود از گرایش تفسیری تاثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش در تفسیر قرآن است که براساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۳)، که گاه از آن تعبیر به مذاهب، مکاتب، الوان، اتجاهات تفسیری می‌شود. با تتبع در آراء تفسیری آیت الله قرشی به نظر می‌رسد ایشان از چند گرایش در تفسیر استفاده کرده‌اند، از جمله:

۶-۱- گرایش اجتماعی

گرایش اجتماعی یکی از پررونق‌ترین گرایش‌های تفسیری است این گرایش با حرکت سید جمال‌الدین اسدآبادی شکل گرفت، و شاگرد او محمد عبده به عنوان پیشوای این نهضت تفسیری معرفی شده است. در پی او مفسرانی چون رشید رضا، مصطفی مراغی، سید قطب، محمدجواد مغنیه، محمدتقی مدرسی، ناصر مکارم شیرازی، محمد صادقی و... مهمترین کتب تفسیری با این رویکرد را در عصر حاضر به نگارش در آورده‌اند. (معرفت، ۱۴۳۳: ج ۲/ ۴۵۳).

یکی از شاخه‌های تفسیر اجتهادی، تفسیر اجتماعی است، تفسیری که به اندیشه‌های اجتماعی قرآن عنایت خاصی دارد و از منظر مسائل اجتماعی به مسائل انسان، هدایت و ارائه پیام قرآن می‌پردازد و سعادت فرد را از سعادت جامعه جدا نمی‌بیند، بی‌گمان یکی از خصیصه‌های مهم قرآن نگرش به زندگی اجتماعی انسان

است. این نگرش را می‌توان ابعاد گوناگون آیات ملاحظه کرد و نمونه‌های آن را در دستورات علمی قرآن کریم دید. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ج ۲ / ۶۵۰).

یکی از ویژگی‌های این گونه تفاسیر پیروی نکردن از شیوه تفسیری سلف است که تنها متکی به روایات و آیات و لغت می‌باشد این گرایش براساس یافته‌های از قرآن به مباحث مورد نیاز جامعه خود پرداخته تا مشکلات اجتماعی عصر خود را حل کند یا این را به شکل جدیدی متناسب با زمان مطرح نماید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۴۴۶).

از دیگر ویژگی‌های تفسیر اجتماعی که در این تفسیر مشاهده می‌شود توجه به مشکلات مسلمانان در عصر خویش و تطبیق آیات قرآن بر زندگی عصر خویش، توجه خاص به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن، توجه اندک به گرایش‌های فلسفی، مذهبی و سنت‌های ادبی و فقهی و تلاش برای اینکه عقاید را از قرآن بگیرد، نه اینکه قرآن را تابع عقاید نماید، دوری از روایات اسرائیلیات، آیات و روایات جعلی و خرافی و ضعیف، استفاده از بیانی ساده و شیوا، توجه به آیات با روحیه ای اجتماع‌گرایانه نه از زاویه فردی و توجه به آیاتی که مسائل اجتماعی را مطرح می‌نمایند، به صورت واضح نمایان است ویژگی مهم این تفسیر یکی ایجاد پیوند و حکم میان آیات قرآن و واقعیت موجود در اوضاع فرهنگی و اجتماعی و سیاسی امت اسلامی معاصر است و دیگری تاکید مکرر بر مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش و دعوت بر پذیرش مسئولیت وی است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۱: ج ۵ / ۱۲۷).

تفسیر احسن‌الحديث به عنوان یک تفسیر تحلیلی تربیتی - اجتماعی معرفی شده است که در آن به شدت از اسرائیلیات و احادیث موضوعه و ضعیف پرهیز شده است. تفسیر احسن‌الحديث جزء تفاسیری است که از ویژگی تفاسیر اجتماعی

برخودار است و مفسر ذیل آیات متعدد به صورت مفصل یا در لابه لای مباحث به مسائل اجتماعی در نظر داشته است. از جمله مباحثی که در این زمینه در تفسیر احسن الحدیث مطرح گشته به شرح زیر می‌باشد. صبر، ارتباط با دیگران و تقوا (ج ۲، آل عمران/۲۰۰)، شروط تجارت و سایر معاملات (ج ۲، نساء/۲۱) لزوم جهاد در راه خدا (ج ۲، نساء/۷۵)، مسئولیت‌های علمای دینی (ج ۲، نساء/۷۵)، وحدت امم (ج ۷، مومنون/۵۳، ۵۲)، مسئولیت متقابل و ادیان و ملت‌ها (ج ۷، نور/۵۴).
به عنوان نمونه ذیل آیه «

« (آل عمران / ۱۵۹) می‌نویسد در این آیه خطاب به پیامبر است که از تقصیر مسلمانان در گذرد، و برای آن‌ها از خدا طلب مغفرت کند و در کارها با آن‌ها مشورت کند، و چون (پس از شور) تصمیم گرفت بر خدا اعتماد کند که خدا اعتماد کنندگانش را دوست می‌دارد، و بلا فاصله در آیه بعد به عموم مردم دستور داده شده که به خدا اعتماد کنند و به وعده‌های او اطمینان داشته باشند، علت توکل آن است اگر خدا به گروهی یاری کند هیچ کس بر آن‌ها پیروز نخواهد شد و اگر خدا گروهی را خوار گرداند کسی یاریشان نتواند کرد »
« (/) .»

(قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲ / ۲۱۸).

مفسر گرامی با توجه به مسائل اجتماعی عصر خویش آیات سوره کافرون این‌گونه تفسیر می‌کند: « » (کافرون/۶) این سوره از یک عدم سازش میان اسلام و کفر حکایت دارد که باید پیوسته ملاک عمل قرار گیرد. متأسفانه اکثر دولت‌های اسلامی مخصوصاً دولت عربستان سازش با ابرقدرت‌های کافر (اسرائیل، آمریکا) را در برنامه زندگی خود گذاشته و کفار را همه کاره خود کرده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲ / ۳۸۴).

۶-۲- گرایش هدایتی - تربیتی

در این رویکرد مفسر به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن می‌پردازد. این گرایش، حاوی مهم‌ترین نکته‌های تفسیری مطالب اخلاقی و هدایتی است، که با تفسیر و تبیین آیات مورد نظر جنبه هدایتی قرآن را باز می‌تاباند. (مودب، ۱۳۸۵: ۲۷۹).

در این گرایش مفسران تنها به دنبال این هدف نیستند که واژه‌ها را معنا کنند و لغات مشکل را توضیح دهند و بگویند این آیه در کجا نازل شده و برای چه نازل شده است. اما انگیزه و هدف دیگری را دنبال می‌کنند و آن این است از این آیه چه باید نتیجه گرفت و پیام و دعوت قرآن چیست، خوانندگان به دنبال چه چیزی باشند. (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۶۴۶-۶۴۷)، نویسنده تفسیر احسن‌الحديث به این مهم توجه داشته است. به نمونه‌هایی از این گرایش اشاره خواهیم کرد.

مفسر بزرگوار ذیل این آیه می‌گوید «

(یس/۶۲) ما امروز می‌دانیم که شیطان بسیاری از اقوام گذشته را گمراه کرده است، باز ما فریب شیطان را می‌خوریم خداوند در آن روز خواهد فرمود: شما که می‌دانستید او اقوام گذشته را فریب داده است آیا نمی‌فهمیدید؟ و ما در زندگی دو راه بیشتر نداریم: یک راه خدا و دیگری راه نفس و شیطان است، حال اختیار با خود انسان است که کدام یک را برگزیند و سعادت یا شقاوت ... (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۹/۹۷).

« (/) مفسر برای بیان ضرر فرد حسود این چنین

می‌گوید: «اذا حسد» برای آن است که آدم حسود و بدخواه تا حسد خود را به کار نبرده فقط درون خودش را می‌سوزاند، ولی چون آن را عملی کند چنان خطرناک است که باید از آن به خدا پناه برد و از رسول خدا(ص) نقل شده: (نزدیک است فقر به کفر انجامد و نزدیک است حسد بر تقدیر خدائی غلبه کند). (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/۴۱۶).

و در مورد آیه «
 (بقره/۸۳) می‌گوید این آیه مربوط است به دستورهای هشت گانه فردی و اجتماعی و با دو دستور آیه‌ی بعدی ده فرمان می‌شود که ضامن سعادت دنیا و آخرتند، خدا از بنی‌اسرائیل و همه اهل ادیان راجع به آنها پیمان گرفته است و آن‌ها عبارتند از: عبادت خدا، نیکی به پدر و مادر، نیکی به خویشاوندان، نیکی به یتیمان، نیکی به فقرا، سخن و رفتار نیک با مردم، نماز خواندن، زکات دادن، خون ریزی نکردن و نراندن مردم از دیارشان. اگر درست توجه شود این احکام ضامن سعادت فرد و جامعه است، خواه در آن روز که بنی‌اسرائیل مامور بودند و خواه امروز که همه مامورند. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱/ ۱۷۹-۱۸۰)

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که گرایش این مفسر به لحاظ شخصیت دغدغه‌مند نسبت به مسایل اجتماعی که در شرح حال ایشان ذکر شد، گرایش اجتماعی - تربیتی در این تفسیر نسبت به دیگر گرایش‌ها بیشتر دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

تفسیر «احسن‌الحديث» را می‌توان از زاویه‌های متفاوتی ارزیابی نمود. این تفسیر در مقایسه با تفاسیر دیگر از امتیازاتی برخوردار می‌باشد، نگارش تفسیری با زبان فارسی برخلاف مفسرینی که تفاسیر خود را به زبان عربی به نگارش در آورده‌اند، خود اولین امتیاز ویژه این تفسیر می‌باشد. احاطه و تسلط علمی مفسر احسن‌الحديث در مباحث تربیتی - هدایتی و اجتماعی از دیگر این امتیازات این تفسیر به شمار می‌رود. با توجه به روش‌ها و گرایش‌های که مفسر در بیان مراد خداوند از آن‌ها کمک گرفته است، روش مفسر اجتهادی جامع، با گرایش هدایتی و اجتماعی

می‌باشد، زیرا در تفسیر اجتهادی مولف برای آشکار کردن معانی آیات، به نوعی اجتهاد و تلاش علمی مناسب دست می‌زند. بنابراین از پی جویی روش تفسیری مفسر احسن الحدیث می‌توان چنین نتیجه گرفت که روش به کار رفته در این تفسیر، روشی مناسب برای استفاده محققان قرآنی بوده است و هر تفسیری که براساس ضابطه‌های متقن تفسیری انجام پذیرد، به شناخت مقصود و مراد واقعی خداوند نزدیک‌تر خواهد بود. لذا پژوهش‌گران دیگر هم می‌توانند این تفسیر را از زوایای دیگر از جمله (جاهای که مفسر نکات اجتماعی عصر خود را برای مردمش بازگو کرده است، جاهای که نظر دیگر مفسران را نقد می‌کند خود به اجتهاد دست می‌زند، و ...) بررسی کنند تا این تفسیر با ارزش همچنان مهجور نباشد، و دیگران از این تفسیر ارزشمند استفاده کنند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد؛ (۱۴۰۷ق)، معجم مقاییس اللغه، (تحقیق عبدالسلام محمدهارون)، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم؛ (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه.
۴. ابوحیان، محمد بن یوسف؛ (۵۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، (محقق جمیل صدقی محمد)، لبنان- بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۵. ازهری، محمد بن احمد؛ (بی‌تا)، تهذیب اللغه، بیروت-لبنان، داراحیاء العربی.
۶. بابایی، علی‌اکبر؛ (۱۳۸۱ش)، مکاتب تفسیری، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۷. بابایی، علی اکبر، و همکاران؛ (۱۳۷۹ش)، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، انتشارات سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۸. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۰ش)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
۹. خرمشاهی، بهاء الدین؛ (۱۳۷۷ش)، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهشی، تهران، استان - ناهید، بی جا.
۱۰. خویی، ابوالقاسم؛ (۱۴۱۰ق)، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، انوار المهدی.
۱۱. ذهبی، محمد حسین؛ (بی تا)، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار القلم، بی جا.
۱۲. راغب اصفهان؛ (۱۳۸۰ش)، مفردات الفاظ قرآن کریم، (ترجمه حسین خداپرست)، قم، انتشارات نوید اسلام، چاپ دوم.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ (۱۳۷۵ش) درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، بی جا: اسوه، چاپ اول.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ (۱۳۹۲ش)، منطق تفسیر قرآن ۲، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ ششم.
۱۵. زبیدی، مرتضی؛ (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا، دار الفکر، چاپ اول.
۱۶. زرکشی، بدر الدین؛ (۱۴۱۵ق)، البرهان فی علوم القرآن، (تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی)، بیروت، دار المعرفة، بی جا.
۱۷. سبحانی، جعفر؛ (۱۴۱۶ه)، الایمان و الکفر، قم، موسسه امام صادق (ع).
۱۸. شاکر، محمد کاظم؛ (۱۳۸۹ش)، مبانی و روش های تفسیری، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین؛ (بی تا)، علل الشرایع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین؛ (۱۳۵۰ش)، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۱. طباطبائی، محمدحسین؛ (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (مترجمان رضا ستوده)، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
۲۳. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ (۱۳۷۱ش)، طبقات مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلامی، بی‌جا.
۲۴. عک، خالد بن صالح؛ (۱۴۰۶ق)، اصول التفسیر و قواعد، بیروت، دارالفنایس، چاپ دوم.
۲۵. عمید زنجانی، عباسعلی؛ (۱۳۷۹ش)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
۲۶. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب؛ (بی‌تا)، بصائر ذوی التمییز، بیروت.
۲۷. فیومی، احمدبن محمد؛ (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دارالهجره، چاپ اول.
۲۸. قرائتی، محسن؛ (۱۳۸۲ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ پنجم.
۲۹. قرشی، سید علی‌اکبر؛ (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب؛ (۱۳۶۵ش)، الکافی فی الاصول و الفروع، بی‌جا، چاپ چهارم.
۳۱. مصطفوی، حسن؛ (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۲. معرفت، محمد هادی؛ (۱۳۷۸ش)، علوم قرآنی، قم، التمهید، چاپ اول.
۳۳. معرفت، محمد هادی؛ (۱۴۳۳)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، بی‌جا.
۳۴. مودب، سید رضا؛ (۱۳۸۵ش)، روش‌های تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه، چاپ اول.